

تاریخ: ۵۸/۳/۲۱

بیانات امام خمینی به وزیر امور خارجه ترکیه

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام برای تمام کشورها یک آرمانی است که در آن همه چیز هست
من متقابلاً سلام به ملت ترک و نخست وزیر ابلاغ می‌کنم و لازم است که ما اساس این نهضت
را بطور اجمال برای شما و دولت شما بیان کنیم. اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت، یکی از
شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگری‌های خارجی و داخلی، و اختناق‌های فوق‌العاده، که در
ظرف پنجاه و چند سال ایران، ملت ایران یک روز خوش ندید و اخیراً هم کشتارهای فوق‌العاده دست
جمعی که در اکثر بلاد ایران پیش آمد، مردم را به جان آورد که این نهضت را همراهی کنند و یکی دیگر
آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل که یک رژیم در مقابل رژیم‌های طاغوتی
باشد و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم.
و امید ما آن است که سایر ملت‌ها، سایر دولت‌ها به این نهضت اسلامی پیوندند و وجهه
نظرشان اسلام باشد. اسلام برای همه کشورها یک آرمانی است که در آن همه چیز هست لکن تبلیغات
خارجی و دنبال آن هم تبلیغات داخلی، اسباب این شد که ملت‌های ما را از اسلام جدا کردند و
دولت‌های ما را هم جدا کردند. و مع‌الاسف تبلیغات به طوری شد که جوان‌های شرق، تمام آمالشان را
به تحقق معانی غربی خرج کردند و تمام حیثیت ملی خودشان را، بعضی از جوان‌های ما فدای غرب
کردند و این شکست روحی بود که برای ما از همه شکست‌هایی که داشتیم بالاتر بود.
نظر ما به اقتصاد نیست مگر به طور آلت، نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ
اسلامی را از ما جدا کردند. و غرب در شرق آنطور نفوذ کرد که شرق خودش را باخت و محتوای
بسیار از جوان‌های ما را گرفت، اما ما گمان می‌کنیم که باید تمام ملت‌ها و دولت‌ها توجه خودشان را به
این نقطه نظر منعطف کنند که این شکست روحی را از ملت‌ها جدا کنند و گمان نکنند جوان‌های ما که
هر چه هست، در غرب است و خودشان چیزی ندارند.

اسلام حکومت‌ها را موظف به خدمت کرده است

اسلام در مقابل همه دولت‌های طاغوتی، برای انسان سازی آمده است، قرآن کتاب انسان سازی

امکان ندارد که دیگران بتوانند استفاده‌های نامشروع از مایکند. ما باید اقتصادمان تابع اسلام باشد، فرهنگمان تابع اسلام باشد، ارتشمان، ارتش اسلام باشد.

در صدر اسلام ارتش یک پناهگاهی برای ملت‌ها بوده است، محیط ارتش از محیط مردم جدا نبوده است، محیط رعب نبوده است، محیط وحشت نبوده است، اگر چنانچه ارتش، دولت، به وظایف ارتشی خودشان، به وظائف دولتی خودشان، به وظائف اسلامی عمل کنند، محیط در یک کشور، محیط محبت می‌شود، محیط آرامش روحی می‌شود و این هم برای ملت مفید است و هم برای دولت و هم برای ارتش، و اگر محیط، محیط ارباب باشد، چنانچه در حکومت‌های طاغوتی است، محیط وحشت باشد، این برای ملت و خود دولت و خود ارتش بد است. و اینکه طاغوتی‌ها محیط ارباب ایجاد می‌کنند، برای این است که آنها برای ملت کار نکرده‌اند و خودشان را از ملت جدا کرده‌اند و از ملت وحشت دارند، از این جهت محیط را ارباب، محیط اربابی درست می‌کنند که مردم را سرکوب کنند. در صدر اسلام این معانی نبوده است، ارتش اسلام از مردم جدا نبوده است، محیط هیچ وقت محیط اربابی نبوده است، حکومتی که در رأس جامعه بوده است، با مردم دیگر فرقی نداشته است بلکه زندگیش پائین‌تر بوده است. حکومت‌ها نمی‌خواستند که به مردم حکومت کنند، می‌خواستند خدمت کنند. اسلام حکومت‌ها را موظف به خدمت کرده است، ارتش در خدمت ملت باید باشد. حکومت‌ها در خدمت مردم باید باشند، اگر یک چنین برنامه‌ای تحقق پیدا بکند، محیط رعب از بین می‌رود، محیط دوستی پیش می‌آید، مبدل به محیط برادری می‌شود، یک چنین محیطی که محیط برادری باشد ملت پشتیبان دولت است، و اگر ملت پشتیبان یک دولتی شد، دولت سقوط نمی‌کند.

اگر شاه به نصایح روحانیون توجه کرده بود و خدمت به این ملت کرده بود، سقوط نمی‌کرد لکن خدمت نکرد و خیانت کرد و پشتوانه مردمی را از دست داد و وقتی که مردم شنیدند رفت شادی کردند، چنانچه در رفتن پدرش هم شادی کردند. حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آورند که اختناق انفجار آورد. برادر باشند با هم، با ملت دوست باشند، ملت احساس کند که دولت از خود اوست، دولت خدمتگزار اوست. ملت‌ها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست، ارتش که در خیابان می‌آید برای او گل بریزند، نه از او فرار کنند. آن عمده در برنامه‌های حکومتی، در برنامه‌های دولتی این معناست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در رأس همه برنامه‌هاست، اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می‌کنند. اگر دولت بخواهد برنامه‌ای را، اگر دولت بخواهد برنامه‌ای را اجرا بکند، ملت در خدمت او هست ما این دو حکومت را که در ایران بود، الان با هم مقایسه می‌کنیم، دولت سابق اگر می‌خواست برنامه‌ای را اجرا بکند، مردم با او موافق نبودند بلکه حتی الامکان کارشکنی می‌کردند. الان دولت ما وقتی می‌خواهد برنامه‌ای را اجرا کند، از اطراف به ما پیشنهاد می‌شود که ما در خدمت حاضریم، طبقات مختلف مردم می‌گویند: که ما در اجرای این برنامه حاضریم، از جان و دل حاضریم که کمک بکنیم. الان که بعضی برنامه‌ها را می‌خواهد

دولت اجرا بکند، ملت همچو اظهار همراهی می کند که اعجاب آور است. این یک مطلبی است که در عین حال که به تمام معنا الان ما نتوانستیم اسلام را در ایران پیاده بکنیم لکن همان نسیمی که از اسلام به ایران وزیده است، نتیجه اش این شده است که دولت ما یک دولتی است که ملی است، ملت او را می خواهد. نخست وزیر ما هیچ وحشت ندارد که توی مردم برود و با مردم بنشیند و صحبت بکند، برخلاف نخست وزیرهای رژیم سابق که امکان نداشت که توی مردم بیایند برای اینکه مردم با آنها دشمن بودند، چنانکه آنها با مردم دشمن بودند. دولت ها اگر چنانچه اینطور بشوند که به اسلام توجه کنند و روح اسلام را در مردم ایجاد کنند و در خودشان، این هم به صلاح خودشان هست و هم به صلاح کشورشان و هم همه برنامه ها را با آسانی می توانند انجام بدهند. و من امیدوارم که بین دولت های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همانطوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت های دنیا نمی توانند به پای او باشند. و من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که این معنا در همه دولت ها تحقق پیدا بکند و همه موفق بشوند که برای اسلام باشند و همه موفق باشند که اخوت اسلامی خودشان را حفظ بکنند و همه موفق باشند که در خدمت ملتشان باشند که ملت هم پشتیبان آنها باشد. وزیر امور خارجه ترکیه: با تشکر از حضرت امام خمینی مایل هستم که دو مطلب را بیان کنم. مسأله اول رابطه مذهب و سیاست است و مشکل اینکه چگونه ما بتوانیم ظرفیت های انسانی را توسعه بدهیم و تقویت بکنیم. نکته دوم: در باره تفاوتی که نباید بین کسانی که حکومت می کنند و کسانی که بر آنها حکومت می شود، وجود داشته باشد، این همان چیزی است که مواضع و اصول دموکراسی را بیان می کند و اجرا می کند. من از این پذیرائی گرمی که شما از من و از هیأت اعزامی ما کردید بسیار سپاسگزار و متشکر هستیم. امام خمینی: آنچه که اما، قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر ایشان درست بار بیایند، همه خدمتگزار به مردم، امین به بیت المال، و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کند. اگر یک ملتی فرهنگش اینطور تربیت بشود، این فرهنگ، فرهنگ غنی اسلامی است و مملکت یک مملکت آرام مرفقی خواهد بود. و اما اینکه می گوئید که یک مسأله دموکراسی است صحیح است.

